

تعلیم سرودن در دبستانها

نغمارش آقای روح الله خالقی

لیسانس در ادبیات از دانشسرای عالی

در ممالک متاچندی قبل تهایم موسیقی از نظر مذهبی از کارهای لغو و امور
رذیله بود، زیرا موسیقی بطوریکه میان مامعمول و متداول بود در اغاب موارد جز
برانگیختن قوای شهوانی و سوق جامعه بفساد اخلاق نتیجه ای نداشت. غنای عربهای
بادیه نشین عبارت بود از خواندن اشعار عامیانه در حال غیرطبعی که اغاب از حدود
ادب و عفت و تقوی هم تجاوز میکرد، بطوریکه فایده ای جز انتشار فحشا و بدنام کردن
مردمان باناموس نداشت و بهمین جهت در آئین اسلام ممنوع گردید. بعدها چون موسیقی
را بیشتر درین زمینه بکار میبردند علمای مذهبی هم آنرا یکسره لغو کرده از مبادرت
بآن انکار داشتند، چنانکه هنوز هم اغلب مردم متعصب ما مجلس سماع نمی نشینند
و یا بعضی از ظاهر پرستان بخصوص اگر کسی متوجه آنها باشد برای عوام فریبی
اگر صدای ساز و آوازی شنوند گوش خود را گرفته فرار اختیار می کنند و از این
غذای روحانی خود را محروم میکنند؛ این گونه اعمال کار را بجائی رسانید که زهاد
خشک پیوسته سبب آزار عرفا و صوفیه باند فکر میشدند و بقدری درین مطالب مبالغه
کردند که شعرای آزاده و عرفای اهل دل را بسرودن اشعاری درین ذوقی و کج طبعی
آنها وادار کردند تا آنجا که سعدی گفت :

اشتر بشعر عرب در حالت است و طرب
گردوق نیست ترا کج طبع جانوری
عرفای ایران در مجلس خود سماع و رقص داشتند و برای گذشتن از عالم
مادی و پیوستن بمقامات معنوی اشعار عرفانی خود را میخواندند و پای میکوفتند و بعضی
چنان در این کار مبالغه میکردند که مست و مدهوش میافتادند و این کار را يك نوع
عبادت معنوی میشمردند. ولی اهل ظاهر و زهاد خشک مردم فریب بخصوص وقتی
این کارها را میدیدند و میشنیدند بی آنکه متوجه مقصود و منظور آنها گردند تبیح
زبان بر کشیده يك مشت مردم بی آزار و بی آرایش را که جز رستن از شون ظاهری

و پیوستن بعالم حقیقی و رؤیت جمال معبود و معشوق یکتای خود مقصدی نداشتند کافر می پنداشتند و مردم را از رفتن در مجالس آنها و گوش دادن بند و اندریشان منع میکردند و این کار را بدین و شریعت مربوط دانسته استفاده های دیگری نیز مینمودند. از طرف دیگر موسیقی در مجالس عیش و طرب اعیان و اشراف صورت دیگری داشت و حتماً بانو شدن الکل و استعمال مخدرات و ارتکاب قبایح توأم بود و در اثر معاشرت کمتر رامشگری دیده میشد که بتعام این منهیات معتاد نباشد. در نتیجه موسیقی در دست یکمشت مردم پست و بی سواد افتاده بود که صنعت خود را وسیله خوشگذرانی و بی اعتدالیهای صاحبان جاه و جلال کرده بودند شك نیست که این چنین نوازندگان را نمی توان صنعتگر حقیقی گفت زیرا کمال مطاوب آنها نزدیکی بطبقات جاه طرب عیاش و آشنائی با صاحبان مشاغل و رفتن بمجالس عیش و باده گساری آنها بود. درین محافل هم اغاب بموسیقی دان اعتنائی نکرده اورا مانند خدام خود پست و خفیف میدانستند. طبیعی است که درین صورت مردم آزاده و اهل فضل و کمال دنبال این صنعت نمی رفتند و بالاخره روز بروز متصدیان این صنعت در انظار پست تر و خفیف تر میشدند و آنها نیز در اثر نادانی و نداشتن منظور صنعتی در صدد ترقی موسیقی بر نمی آمدند و مقصدی جز تهی کردن حیب اشراف و اعیان و شرکت در قبایح اعمال آنها نداشتند. این بود که مملکت ما با قدمت تاریخی و تمدن قدیمی درین صنعت چندان ترقی نکرد.

از یکطرف چون موسیقی را جزء ریاضی محسوب میداشتند و ریاضی هم یکی از شعب فلسفه نظری بود، فلاسفه و حکما از آنجا که بایستی بتمام شعب و فروع حکمت نظری و عملی آشنا باشند مختصر اطلاعی از نسب و روابط موسیقی و ریاضی و رابطه موسیقی با اوزان عروضی داشتند. درین صورت تنها قسمت علمی و نظری موسیقی را تحصیل میکردند و کمتر دنبال عمل کردن آن می رفتند. حال اگر چند تن از بزرگان و فضیای ایران از قبیل فارابی و صفی الدین ارموی و قطب الدین شیرازی در موسیقی تالیفات داشتند و قسمت های عملی آنها هم آشنا بودند دلیل قاطعی نیست که عمل این صنعت در نوزدهم کس کار پسندیده ای بوده، چه این اشخاص در اثر ذوق طبیعی باین

صنعت علاقمند بودند و مردم هم چون آنها را اهل فضل و کمال میدیدند دیگر جرأت نمی کردند بانها سوء نسبتی بدهند ولی شك نیست که بالاخره همین فضلا هم در نظر زهاد خشک و علمای ظاهر پرست دازای عمل و کباری پسندیده نبودند.

با وجود این مدارکی در دست است که موسیقی در مواقع خاصی بسیار پسندیده و مقبول بوده و اهل ذوق و بخصوص مؤلفین رسائل موسیقی علمای برای مفید بودن این صنعت ذکر کرده اند چنانکه در ترجمه رساله «مجموع الحکمه که خلاصه رسائل اخوان الصفاست در فایده موسیقی چنین نوشته شده :

« چون دیدند که آواز و آنچه بر او نهادند اثری تمام دارد در نفس و نفس «
 « بر تن غلبه دارد ، این علم و عمل نهادند تنفس از او اثر پذیرد و بتن دهد و تن را از «
 « حال خویش بگرداند ، چنانکه اگر کسی در این علم حاذق بود که عاوم طبیعی «
 « نیک بداند ، نوعی از موسیقی هر بیماری که خواهد از تن ببرد . »

بطوریکه در اغلب رسائل موسیقی دیده میشود سابقا در شفاخانها نوازندگان و رامشگرانی بوده اند که با نواختن نغمات مخصوصی سبب راحتی حال مریضان میشده اند و یا بعضی امراض را شفا میدادند . چنانکه در رساله سابق الذکر اینطور نوشته شده :

« پس نزدیک حکما و فیلسوفان موسیقی را فایده عظیم است و در بسیار جا
 « این بکار داشته اند چنانکه در مهرابها استجاب دعا را چنانکه حضرت داود علیه السلام
 « در محراب بر بط زدی و غنای خویش بر آن راست کردی و چنانکه در بیمارستانها بجز
 « گاهان بز دندی تا بیماران را در خواب کردند و از دردها بر آسودندی و چنانکه در
 « صومعهها بنهادندی و چون عاهه زیارت شدند معتکفان آنرا بز دندی تا عاهه بر آتوبه
 « در آمدندی و اگر امروز در بعضی شرایع اینها منهی است بسبب آن بوده است که
 « ایشان استعمال آن در مخطورات و لذت دنیا می کنند نه آنچه در مقصود حکما بوده است . »
 ولی ذکر تمام این مطالب از گذشته است و اینطور بر می آید که در قرون
 اولیه هجری که هنوز ذوق موسیقی قدیم ایران در دماغها بود ، موسیقی درین موارد

بکار میرفته و بعد ها بتدریج در اثر عدم توجه از موسیقی دانان و بی اعتنائی آنها و زیاد شدن عده زهاد خشک کم کم جلو ترقی موسیقی گرفته شد و این صنعت تنزل کرد. کتب موسیقی ما هم کاملاً بر این مطالب دلیل است زیرا از تمام رسائلی که از موسیقی بعد از اسلام ایران در دست است معلوم میشود که موسیقی در اوائل خلافت عباسیان بخصوص در زمان هارون و مأمون رواج و اهمیت شایانی داشته چنانکه حکایات زیادی در کتب اغانی ابوالفرج اصفهانی از موسیقی دانهای این دوره بخصوص ابراهیم و اسحق موصلی که هر دو ایرانی بوده اند دیده میشود. بعدها رسائلی از فارابی و ابوعلی سینا در دست است. در دوره مغول هم کتب تقیسی در موسیقی نوشته شده و موسیقی دانهای این دوره از قبیل علامه قطب الدین شیرازی صاحب موسیقی «دره التاج» و صفی الدین عبدالمؤمن ارموی صاحب «رساله شرفیه» و «کتاب الادوار» سبب ترقی نظری موسیقی شدند. ولی پس از دوره مغول که بازار علم و فضل رو بکسادی رفت دیگر رساله مهمی هم در موسیقی نوشته نشد و متاخرین خلاصه ای از مطالب رسائلی قدیمه را نقل کردند. در حقیقت از همین زمان که بتدریج مال اروپائی شروع بترقی کردند ما رو بتنزل رفتیم و از حیث موسیقی و بسیاری از صنایع و علوم دیگر از قافله علم و صنعت فرنگ دور ماندیم.

در قرن هجدهم که موضوع تعلیم و تربیت سبک تازه ای یافت و بخصوص علوم طبیعی راه تجربه و مشاهده را باز کرد و پس از آن در قرن ۱۹ و ۲۰ که وسائل سنجش زندگانی و حیات داخلی انسان تا اندازه ای کشف شد مریبان اروپائی موسیقی را از نظر تعلیم و تربیت اهمیت دادند و درس سرود و آواز را که تا آن وقت فقط مخصوص مدارس کلیسایی بود در مدارس عمومی هم وارد کردند و آنرا وسیله تحریک حس وطن پرستی و کسب سبیه های مهم اخلاقی قرار دادند.

مریبان اروپا و امریکا از تعلیم سرود و آواز در کودکان دبستان و دبستان چند منظور دارند:

۱- آشنا کردن اطفال از کوچکی بصنعت موسیقی تا اگر ذوق موسیقی در هر یک از آنها باشد بیدار شود و بعدها صنعتگر قابلی گردد.

۲ - سرگرم کردن اطفال با موسیقی و تولید حس خوش آیندی و راغب کردن آنها بدروس مدرسه .

۳ - ایجاد فضائل اخلاقی در اطفال بوسیله توأم کردن اشعار اخلاقی با نغمات موسیقی .

۴ - تولید حس وطن دوستی و شناختن مفهوم حقیقی عمات و ممالکت و لاقمند شدن بسرزمینی که در آن پرورش یافته اند .

۵ - آشنا کردن اطفال بموسیقی ملی و وطنی و صنعت خاصی که مطابق ذوق و مقتضیات طبیعی هر مات بوجود آمده است و غیره

اما از آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۲ که موسیقی جزو پروگرام مدارس ما گردید برخی باز دنبال همان عقاید قدیم و موهومات دوره های گذشته را گرفته بانظر بغض و نفرت باموزگاران موسیقی مینگریستند و تصور میکردند خواندن سرود و آواز اطفال دبستان را ازدروس مدرسه باز میدارد و یا عدم علاقه ای بشئون ملی و نوامیس مذهبی در آنها تولید میکند و ازین نظر خود را اخلاقاً موظف میدانستند که با این قسمت مخالفت کنند و راهی برای حذف آن از پروگرام مدارس بیندیشند . ولی متصدبان امور معارف چون بمنظور اصلی تعلیم سرود و آواز در دبستانها آشنا بودند باغراض شخصی مخالفین نوجهی نکردند و سال تحصیلی پایان رسید و اثرات خوبی از تدریس سرود ایجاد شد .

اما آنهایی که با تعلیم سرود در مدارس مخالف بودند تا اندازه ای هم حق داشتند زیرا استعمال موسیقی را در مواردی دیده بودند که ورود آن را با آن ترتیب در فضای علم و ادب جائز نمی شمردند . ولی موسیقی مدارس با موسیقی که مثلاً در مجالس عیش و طرب یا قهوه خانها و مهمانخانه ها مند اولست بکلی متفاوت میباشد . منظور از موسیقی مدارس برانگیختن عواطف و احساسات قابی شاگردان و بخصوص شناساندن مفهوم حقیقی ملیت و وطن دوستی است و هرگز چنین موسیقی سبب فساد اخلاق جوانان آتی نخواهد شد .

علمای تربیت معتقدند که مواد دروس دبستانها نباید زیاد سنگین و خسته

کننده باشد، زیرا دوره طفولیت باید بیشتر با بازیها و تفریحات کودکان بگذرد تا اطفال قوای جسمانی خود را کامل کنند و بعدها بتوانند در میدان مبارزه حیاتی با عزمی راسخ و مزاحی سالم مقاصد خود را دنبال کنند، اینست که دروس دبستان را بطرزی مطلوب و جالب و جاذب باطفال میاموزند. مثلاً شاگردانی که مایل نیستند اشعار دروس خود را حفظ کنند، اگر آن اشعار را با آهنگ موسیقی توأم کنند بدون اینکه تکلیف دشواری باشد آنها را حفظ می کنند. پس در حقیقت می توان موسیقی را بادرسی اخلاق و حفظ اشعار و مطالب و نکات روحانی توأم کرد. درینصورت برواضح است که موسیقی علاوه بر آنکه اطفال را گمراه نمیکند کار معلمین دیگر و سایر دروس را هم آسانتر می نماید.

اغلب دیده شده است که کودکان اشعاری را بدون توجه بمعانی حفظ می کنند و آن استفاده ای که نویسنده کتاب و معلم در نظر داشته نمی شود، ولی اگر آهنگ موسیقی که املا با مضمون شعر مناسب باشد و معلم موسیقی هم در ضمن نواختن و خواندن بتواند مقصود و منظور شاعر را از سرودن آن شعر بازبانی ساده و کودکانه برای اطفال بیان کند و طوری این کار را تکرار کند که شاگردانش بتوانند از حالت نغماتی که می خوانند بمعنای اشعار سرودها پی ببرند بالا ترین منظور را که تربیت اخلاقی و تولید صفات حسنه است تنها بمدد موسیقی از تربیت گرفته است. زیرا منظور از تعلیم و تربیت سه اصل مهم تربیت بدنی و فکری و اخلاقی است. اکثر بلکه تمام مدارس قوای فکریه و عاقله را تربیت می کنند ولی مدارس ما تا چندی قبل از حیث تربیت بدنی و همچنین از نظر تربیت اخلاقی عقب بود. سال گذشته اولین قدم برای رواج ورزش و ایجاد علاقه در شاگردان نسبت به ورزش بدن بوسیله مسابقه ها برداشته شد. تدریس سرود هم در مدارس بیشتر برای تربیت اخلاق است و سرودها علاوه بر این منظور بتربیت بدنی هم کمک می کنند زیرا اگر حرکات بدنی را بانغمات مناسب موسیقی هم نواز کنند تمایل و رغبت بیشتری بوزنش ایجاد می شود. چنانکه همان وزن «تیک» و آهنگ صدای زورخانه است که ورزشکاران را با میل و رغبت بکار وامیدارد. بهمین جهت است که موسیقی نظامی

و خواندن سرود های رزمی از لوازم زندگانی سربازی است و همان هاست که روح و جسم نظامیان را از کار و زحمت خسته نمی کند و آنان را برای مبارزه آماده میسازد. در خاتمه باید گفت که بزرگان عالم همیشه موسیقی را وسیله تزکیه نفس و پرورش صفات پسندیده اخلاقی دانسته اند. چنان که افلاطون گفته است: «موسیقی جان را ذوق تقوی میاموزد» «لوتر» ۱ عقیده داشت که: «موسیقی نوای قدسی است که بعالم ماوراء طبیعت رابطه نزدیکی دارد» - میکلائو ۲ معتقد بود که: «موسیقی نوای آسمانی است» - آلفرد و موسه ۳ اعتقاد داشت که: «تنها بوسیله موسیقی می توان بخدا ایمان و اعتقاد یافت» - و بالاخره واگنر ۴ موسیقی دان شهیر آلمان می گوید: «موسیقی عالی ترین صنایع است که موضوعات نامعلوم و قهیمدنی را برای ما توجیه و تعبیر می کند و ما را مستقیماً بعالم مجهولی که هنوز برای ما کشف نشده رهبری مینماید.»

مقصود از تعلیم و تدریس سرود در مدارس آموختن این موسیقی است نه آن اصوات ناهنجار ناموزون خارج از اعتدالی که در سر هر گذر میشنویم. مقصود همان موسیقی است که ما را از عالم محسوس بعالم حقیقت راهنمائی میکند و چنان که مولوی گوید بهترین تریاق در دهای ماست.

۱ - Luther - واضع مذهب پروتستان - ۲ - Michel-Ange نقاش و حجار شهیر ایتالیائی - ۳ - Alfred de Musset شاعر معروف فرانسوی - ۴ - Richard Wagner بزرگترین موسیقی دان آلمان.

تانیایی مراد خویش بگوش

چند گوئی که نشونوت راز	چند جوئی چو می نیایی باز
بد مکن خو که طبع گیرد خوی	ناز کم کن که آرز گردد ناز
از فراز آمدی سبک به نشیب	رنج بینی که بر شوی بفراز
بیشتر کن عزیزت چون برق	در زمانه فکن جو رعد آواز
کمر از شمع نیستی بفرورز	گر سرت را جدا کنند بگاز
تانیایی مراد خویش بگوش	تا نسازد زمانه با تو بساز
گر عقابی مگیر عادت جغد	ورپلنگی مگیر خوی گراز
بکم از قدر خود مشوراضی	بین که گنجشک را نگیرد باز
بر زمین فراخ ده ناورد	بر هوای بلند کن پرواز
چند باشی باین و آن مشغول	شرم دارو بخویشن پرداز

مسعود سعد سلمان (متوفی در ۵۱۵)